گزارش «تعادل» از تناقض آشکار میان آمار صادرات و واقعیت میدانی بازار نفت

ترکش‌های ماندگار در نظم انرژی



گلناز پرتوی‌مهر | در روزهایی که رسانه‌ها و موسسات داده‌پژوهی غرب با تکیه بر نمودارهای متحرک ردیابی ماهواره‌ای نفتکش‌ها، از «بازگشت به شرایط پیشین» سـخن می‌گویند و منحنی‌های عرضه از تنگه هرمز را بازسازی‌شـده جلوه می‌دهند، بوی نفت در اسکله‌ها و اتاق‌های بازرگانی بوی دیگری دارد. روی کاغذ، خطوط کشـتیرانی از احیای ترافیک دریایـی و عبور بی‌وقفه میلیون‌ها بشکه نفت خام حکایت می‌کنند و بازارهای کاغذی نیز با تکیه بر سیگنال‌های مقطعی، افت قیمت نفت تا کانال ۹۰ دلار را جشـن می‌گیرند. اما این تصویر ماهواره‌ای، لایه‌ای صیقلی بر واقعیتی بسیار شکننده و گرانقیمت اسـت. جریان فیزیکی نفت هرگز مساوی با یک «تجارت عادی» نیست؛ چراکه نبض واقعی بازارهای جهانی نه در حجم عبور شـناورها، بلکه در فاکتورهای سرسـام‌آور بیمـه و کرایه‌های حمل دریایـی می‌زند. بزرگ‌ترین خطای تحلیلـی گزارش‌های غربی، نادیده گرفتن شکاف عمیق میان قیمت پایانه بارگیری و قیمت تحویل در مقصد است. در دوران ثبات، هزینه جابه‌جایی هر بشکه نفت خام از خلیج فارس به پالایشگاه‌های شرق آسیا رقمی شناور حول و حوش ۵ دلار در هر بشکه بود؛ عددی که حاشـیه سـود متوازن و پایداری را برای کل زنجیـره از چاه تا برج تقطیر تضمیـن می‌کرد. امروز اما جغرافیای خاورمیانه، حتی در غیاب درگیری مستقیم در یک مقطـع چندروزه، تحت شـدیدترین رژیم‌های احتیاطی شـرکت‌های بیمه اتکایـی بین‌المللی اداره می‌شود. حق بیمه ریسک جنگ و پرش نرخ اجاره روزانه نفتکش‌های غول‌پیکر، معادله را به کلی دگرگون کرده است. اکنون هزینه حمل هر بشکه نفت خام خلیج‌فارس به ارقام حیرت‌آور ۳۰ دلار و گاه فراتر از آن رسیده است. به زبان حسابداری سـاده: اگر قیمت اسمی یک بشکه نفت ۹۱ دلار ثبت شـود، هزینه‌ای معـادل نزدیک به یک‌سوم ارزش آن صرفا برای محافظت و جابه‌جایی آن در آب‌های ملتهب منطقه دود می‌شود. برای پالایشگری که در سنگاپور، هند یا سـواحل جنوبی چین نشسته، آنچه تعیین‌کننده است، قیمت نهایی روی فلنج ورودی مخازن است، نه رقم ثبت‌شده در رویترز یا بلومبرگ. این معمای ۳۰ دلاری، همان پرده‌ای اسـت که توهم ارزان شـدن انرژی را نقش بر آب می‌کند. پیامد مستقیم این جهش لجستیکی، فشاری خردکننده بر تولیدکنندگان اصلی خلیج‌فارس اسـت. خریداران بزرگ آسیایی که زیر بار تورم جهانی و افت حاشـیه‌های سـود پالایشی به‌شدت نسبت به نوسان سنت‌ها حساس شده‌اند، حاضر به پرداخت هزینه اضافه ناشی از جنگ نیستند. در این موازنه نامتقارن، این فروشـنده نفت است که باید تاوان ناامنی گذرگاه‌های آبی را پس بدهد. کاهش سـنگین قیمت‌های رسمی فروش از سوی غول‌های نفتی منطقه و حراج محموله‌ها با تخفیف‌های تاریخی بیش از ۶ دلار در هر بشـکه نسـبت به سبد شـاخص‌های منطقه‌ای رکوردی که یادآور تاریک‌ترین ماه‌های رکود ناشـی از همه‌گیری کرونا در سـال ۲۰۲۰ است هرگز نشانه‌ای از آرامـش یا «وفور طبیعی عرضه» نیسـت. این واکنش، یک تنزیل اجباری برای جبران همان کرایه‌های گزاف ۳۰ دلاری است تا محموله‌ها روی دست کشورها نماند و شریان صادرات کاملاً قفل نشود. وقتی یک بشکه نفت خاورمیانه با چنین تخفیفی عرضه می‌شود تا صرفا خریدار چینی را برای پرداخت کرایه سنگین نفتکش قانع کند، اطلاق واژه «عادی‌سازی» به این فرآیند، بیشتر به یک شـوخی ژئوپلیتیک شـباهت دارد. تناقض بزرگ‌تر در خوانش سـرمایه‌گذاران از مفهوم «مازاد عرضه» نهفته اسـت. در بازارهای مالی این فرض شکل گرفته که تضعیف پرمیوم‌ها به معنای پر شدن ظرفیت جذب بازار اسـت؛ اما حقیقتِ فیزیکی در عمق مخازن استراتژیک جهان نهفته است. در جریان التهابات سنگین ماه‌های اخیر، زنجیره تأمین جهانی برای زنده نگه داشتن جریان تولید در غرب و شرق، دست به یک جراحی خطرناک زد: تخلیه بی‌سابقه مخازن تجاری و استراتژیک. برداشت نزدیک به یک میلیارد بشـکه نفت خام از ذخایر جهان برای جبران وقایع ماه‌های گذشـته، یک گسل امنیتی بزرگ در امنیت انرژی ایجاد کرده است. وضعیت در بخش فرآورده‌های سوختی و به ویژه گازوئیل که شریان اصلی صنایع، حمل‌ونقل جاده‌ای و کشـاورزی جهان است به مراتب وخیم‌تر است؛ تا جایی که کف ذخایر به کمترین میزان در بیش از سه دهه گذشته رسیده است. در چنین بستری، صحبت از مازاد عرضه پایدار، نوعی توهم تحلیلی است. حتی اگر فردا تمامی توافقات سیاسی روی کاغذ امضا شـوند و آتش درگیری‌ها کاملا فروکش کند، این بازگشـت ظاهری به آرامش نمی‌تواند بر بحران مخازن خالی سرپوش بگذارد. برآوردها نشان می‌دهد پر کردن مجدد این شکاف عمیق، حتی با فرض حفظ سطوح فعلی استخراج، به سال‌ها زمان نیاز دارد. تقاضای پنهانی که از محل «نیاز به بازسازی ذخایر احتیاطی» به بازار تحمیل خواهد شد، مانند سدی نامریی در برابر هرگونه سقوط واقعی و بلندمدت قیمت نفت عمل خواهد کرد. جهان نفت با توهماتی که در تالارهای بورس لندن و نیویورک معامله می‌شوند، اداره نمی‌شود. تجارت بین‌المللی انرژی زنجیره‌ای به هم پیوسته از نفتکش، خط لوله، پالایشگاه، بیمه و البته امنیت حقوقی و دریانوردی اسـت. اگر تنها یکی از این حلقه‌ها یعنی امنیت کشتیرانی تجاری دچار فرسایش شود، کل سازوکار دچار ایست قلبی خواهد شد. الگوهای تجارتی که تا پیش از تحولات اخیر بر آب‌های خاورمیانه حاکم بود، احتمالا برای همیشه دستخوش دگرگونی شده‌اند. خطوط کشتیرانی، کلوپ‌های بیمه و صاحبـان کالا آموخته‌اند که آرامـش در تنگه هرمز و دریای سرخ دیگر یک پیش‌فرض رایگان و تضمین‌شده نیست، بلکه کالایی کمیاب است که هزینه بیمه سنگین آن باید پیشاپیش و روی هر بشکه محاسبه شود. تا زمانی که هزینه‌های ریسک جنگ به مرزهای منطقی گذشته بازنگردد و سایه هراس از آبراه‌ها کنار نرود، گزارش‌های آماری درباره «افزایش تعداد نفتکش‌های عبوری» چیزی جز فریب چشمی نخواهد بود. افت قیمت‌های مبادلاتی در روزهای اخیر، واکنشی کوتاه‌مدت به هیجانات سیاسی اسـت، نه بازتابی از توازن واقعی میـان عرضه و تقاضا. بازار شـاید بتواند با کاهش مقطعی قیمت نفت، خود را تسـکین بدهد، اما درمان این سردرد مزمن لجستیکی و بازسازی ذخایر فرسوده جهان، دارویی بسیار تلخ‌تر و پرهزینه‌تر از خوش‌خیالی‌های آماری رسانه‌های غربی می‌طلبد. خاورمیانه به ظاهر نفت صادر می‌کند، اما این نفت عصبی، با نرخی صادر می‌شود که هرگز بوی صلح و شرایط عادی نمی‌دهد.

نرسی قربان در گفت‌وگو با «تعادل» راه‌های عبور از بحران گاز در زمستان را تحلیل می‌کند

از صرفه‌جویی ملی تا توسعه میادین

زهرا سـلیمانی | امسـال زمسـتان، با سرمای استخوان‌سـوز، میهمان خانه‌های ایرانیان شده است. در کنار این سرمای شدید اما ناترازی گاز باعث بروز برخی نگرانی‌ها میان مسوولان ایرانی شـده اسـت. کمبود گاز در ایران، دیگر صرفا یک خبر اقتصادی نیست، بلکه به نمادی از چالش‌های عمیق‌تر بدل شده است. این کمبود، زنگ خطری است برای صنایعی که نفسشان به گاز وابسته است، برای خانه‌هایی که گرمایشان در گروی آن است و برای زندگی روزمره‌ای که در نبود آن، هزار و یک چالش تازه پیش رویش قرار می‌گیرد. از تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری کارگران تا صف‌های طولانی خودرو در پمپ‌بنزین‌ها برای تامین سوخت جایگزین و از اجاق‌های خاموش خانه‌ها تا نگرانی مـادران برای فرزندانشـان، همگی تصاویری هستند که این روزها در جامعه ما دیده می‌شوند. اما چرا در کشوری با این همه ذخایر عظیـم گازی، با چنین بحرانـی روبه‌رو هستیم؟ آیا ریشـه‌های این ناترازی و کمبود را باید در جنگ اخیر جسـت‌وجو کـرد یا دلایل ریشه‌دارتری وجود دارد؟ به نظر می‌رسد در بطن این کمبود، داستان پیچیده‌تری از عدم اصلاح الگوی مصرف، سرمایه‌گذاری‌های از دست‌رفته و دیپلماسـی انرژی نهفته است؟ از سوی دیگر به دلیل عدم سـرمایه‌گذاری مناسب چاه‌های فعلی گاز ایران هم با افت فشار روبه‌رو شده‌اند که باید فکری به حال آنها شود. راهکارهایی که نرسی قربان، تحلیلگر ارشد حوزه انرژی معتقد است نیازمند نگاهی نو، عزمی راسخ و همکاری همگانی اسـت. به اعتقاد قربان از بهینه‌سازی مصرف و افزایش بهره‌وری در شبکه‌های توزیع تا سـرمایه‌گذاری در منابع انـرژی جایگزین و تنوع‌بخشـی به سبد انرژی کشـور را می‌توان ذیل عنوان راهکارها بـرای مقابله با قطعی گاز در زمستان قرار داد. نرسـی قربان، کارشناس انـرژی در گفت‌وگو با «تعادل» توضیح می‌دهد که مشکل کشور کمبود منابع نیست، بلکه نحوه استفاده از آن است و پس از آسیب‌های جنگ، اولویت‌ها و راهبردها تغییر کرده است.

■ **ما از گذشته ناترازی در تامین گاز کشـور داشـته‌ایم تا جایی کـه گاز مورد نیاز شـمال و شمال‌شرق کشور از ترکمنستان تامین می‌شد. پس از تنش‌های اخیر با امریکا و آسیب‌هایی که زیرساخت‌های ما در این حوزه دیده‌اند، ظاهرا این آسـیب بیشـتر هم شـده و گفته می‌شود زمسـتان سـختی در حوزه گاز در پیش داریم. نخسـت توضیحـی از وضعیـت گازی کشـور بفرمایید و بعد بگویید کشورهای دیگر معمولا چه راهبردهایـی برای عبـور از چنین بحرانی تدارک می‌بینند؟**

ایران پس از روسیه، بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان را در اختیار دارد و گاز کافی بـرای بیش از ۱۰۰ تا ۱۲۰ سال آینده در کشور ما وجود دارد. پس مساله، عرضه گاز نیست؛ ما در کشور به اندازه کافی گاز داریم و مساله این است که چگونه از آن استفاده کنیم. تا پیش از جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه اخیر که امریکا و اسراییل علیه ایران به راه انداختند، مساله این بود که باید برای تولید گاز بیشتر سرمایه‌گذاری می‌شد و این موضوعی کاملا جدا بود، چون تحریم‌ها وجود داشـت و شـرکت‌های بزرگ بین‌المللی انرژی نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند به ایران بیایند. در نتیجه همه کارها بر عهده خود ایرانی‌ها بود و سرمایه‌گذاری به اندازه کافی انجام نمی‌شد؛ از این رو تولید گاز ما آن گونه که باید بالا نرفت. بر اساس برخی روایت‌ها ایران در حوزه نفت و گاز به سـرمایه‌گذاری بالای ۲۰۰ میلیارد دلاری نیاز دارد.

■ **یعنی می‌فرمایید چون جنگ اسـت و تحریم و محاصره فعلا، چـاره‌ای جز قبول این وضعیت را نداریم؟**

خیـر، اتفاقا فکر می‌کنـم راه‌هایی بـرای جبران این کمبودهـا وجود دارد. معتقدم پس از جنگ، مسـاله کاملا فرق می‌کند، چون بخشـی از پالایشگاه‌های ما بر اثر حملات دشمن آسـیب دیده‌اند و در نتیجه گاز کمتری برای توزیع در کشور وجود دارد. ایران می‌تواند زمینه‌هایـی را فراهم کند تا کشـورهای منطقه‌ای و کشـورهای عربی بخشی از این نیاز را تامین کنند. در این شـرایط، علاوه بر صرفه‌جویی که همه باید انجام دهند و واقعا واجب است همه بدانند که این صرفه‌جویی یـک وظیفه ملی اسـت تـا گاز به همه برسـد، باید بکوشـیم از فناوری‌ای که در داخل کشور وجود دارد، استفاده کنیم تا میادین گازی در دسترس خودمان را توسعه دهیم؛ نه میادین سخت دریایی، بلکه میادین خشکی را که خودمان می‌توانیم توسعه بدهیم و گاز بیشتری تولید کنیم. امیدواریم این مهم انجام شود و سرمایه‌گذاری‌های داخلی نیز به سمت این مساله برود تا بتوانیم این کار را انجام دهیم. البته اگر بتوانیم از انرژی خورشیدی هم اسـتفاده کنیم و برق کمتری مصرف شود، نیروگاه‌های ما کمتر به گاز نیاز پیدا می‌کنند و این هم کمک می‌کند؛ ولی مستلزم سرمایه‌گذاری در پنل‌های خورشیدی است که به‌طور کلی ما خودمان نمی‌سازیم و از چین و جاهای دیگر تامین می‌شود.

■ **اشاره کردید که می‌توان از پنل‌های خورشیدی استفاده کرد؛ برخی تحلیلگران اشاره می‌کنند بارش‌های اخیر می‌توانـد فرصتی برای کاهش فشـار در بخـش گاز باشـد، فکـر می‌کنید که بارش‌های قابل توجه اخیر در کشور می‌تواند به ذخیره‌سازی گاز کمک کند؟**

بله، بخشی از برق کشور از نیروگاه‌های برق‌آبی تامین می‌شود؛ چیزی نزدیک به ۱۰ درصد. اگر ظرفیت این نیروگاه‌ها بیشتر احیا شود و بارش‌هایی که هنوز نیامده و تازه صحبتش مطرح است، محقق شود، می‌توان برق بیشتری از منابع آبی گرفت و فشار روی نیروگاه‌های گازی کمتر خواهد بود. بنابراین همه باید امیدوار باشیم تا بارش‌های سودمند فعلی تداوم داشته باشند و بخشی از فشار فزاینده روی صنعت گاز برداشته شود.

■ **موضوع مهم بعدی، مسـاله تنازعات اخیر در جبهه اوکراین-روسیه و ایران-امریکاست. در سطح بین‌المللی، جنگ چقدر به نیاز کشورها به گاز آسیب زده است؟ به‌ویژه در اروپا این گزاره مطرح اسـت که مساله اروپا، مسـاله اوکراین و روسیه است.**

مسـاله کمبود گاز اروپا مساله جنگ و تنازع اوکراین و روسیه است. در ظرف چهار سال و شاید هم نزدیک به پنج سـال (که دو، سه ماه دیگر پنج سال می‌شود) این جنگ ادامه داشته و جریان گاز از روسیه به سمت اروپا کم شده یا قطع شده و اروپا با مشکل روبه‌رو شده است. اما از ایران به خاطر جنگ گاز قطع نشده است؛ مساله جنگ، روسیه بود. با این حال، مثل ترکیه، گاز از ایران می‌رفت و هنوز هم گاز از ایران به عراق می‌رود. کشـورهایی که بیشـتر تحت تاثیر قرار می‌گیرند، کشورهای دور و بر خود ما هستند تا اروپا.

■ **آن میادینی که با سـرمایه‌گذاری سـریع‌تر می‌شود فعالشان کرد، کدام میادین هستند؟**

ایران ظرفیت‌هـای گازی فراوانـی دارد. میادین ما بسیار زیاد هسـتند، بخشـی از آنها در دریا و بخش بزرگ‌تری از میادین گازی ایران در خشکی قرار دارند؛ مثلا در فارس همین اخیرا دو میدان کشـف شد که حجم انبوهی گاز در آنها ذخیره اسـت و با استفاده از فناوری‌های داخلی می‌توان از آنها بهره‌برداری کرد. بر اساس اعلام وزیر نفت در این میدان بیش از هفت هزار و ۵۰۰ میلیارد فوت‌مکعب گاز کشف شده که از این مقدار امکان استحصال پنج هزار و ۷۰۰ میلیارد فوت مکعب وجود دارد. گاز کشـف شـده در میدان گازی تخته در جنوب استان فارس، گاز شیرین است که باعث می‌شـود هزینه‌های عملیات توسـعه‌ای و بهره‌برداری آن به شدت کاهش پیدا کند. همچنین در این میدان علاوه بر گاز، حجم عظیمی از میعانات گازی با ارزش ده‌ها میلیارد دلار کشف شده است. این میزان گاز معادل ۱۵ سال فعالیت یک فاز پارس جنوبی است. این میادین خشکی با فناوری‌هایی که در کشور داریم قابل بهره‌برداری هستند، چون شرکت‌های قدری در مملکت داریم که حفاری و کارهای مربوط به نفت و گاز را انجام می‌دهند و پیمانکاران شرکت‌های بزرگ هم قبلا بوده‌اند؛ اینها می‌توانند بخشـی از این کار را انجام دهند. منتها بستگی دارد که بودجه در اختیار باشد تا این کار راه بیفتد و در شرایط جنگی، اولویت‌ها لزوما با بودجه برای تولید گاز نیست؛ بیشتر برای دفاع از مملکت و امنیت است.

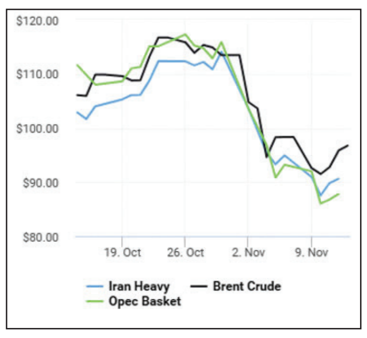
ادامه از صفحه اول

ناجی بورس در روزهای سخت

همیـن چند روز قبل بود به خاطـر می‌آورید که چطور حقیقی و حقوقـی صندوق و غیرصندوق بـرای فرار از سهم‌ها مسابقه گذاشته بودند اینکه چرا حقوقی‌های ما و چرا سهامداری که باید نقش برجسته‌تری در بازار داشته باشد این‌طور جوزده و موج‌زده در بازار حرکت می‌کنند را فعلا کاری نداریم و البته تا بوده همین بوده. بحث ما امروز یک بحث همیشگی است که می‌خواهیم یک‌بار دیگر آن را تکرار کنیم و آن هم نقش صندوق‌های تثبیت و توسعه به عنوان متولیان خاص این روزهای بازار است. اگر امروز این صندوق‌ها به یگانه بازیگر اصلی صفوف خرید و فروش تبدیل شـده‌اند ناشـی از بی‌عرضگی، بی‌مسوولیتی و بی‌تحلیلی بسیاری از حقوقی‌هاسـت که سال‌های نه چندان دور بازیگران اصلی بازار بودند؛ اما بحث اصلی ما در حال حاضر این است که عملکرد این صندوق طی این مدت چطور بوده. ببینید بسـیاری از عزیزان موقعی که بازار مثبت است با افزایش عرضه‌ها از سوی این صندوق انتقاد را به سمت این صندوق‌ها می‌برند که چرا در بازار فروشنده هستیم؛ اما هیچ کس عملکرد آنها را در روزهای منفی که در صف فروش سهم جمع می‌کند، نمی‌بیند. به نظر اتفاقا آنها بهترین و مهم‌ترین فروشندگان این روزهای بازار هسـتند و بارها روی این موضوع تاکید کردیم که بهترین فروشنده برای بازار همین صندوق‌های تثبیت و توسعه هستند که پول را از بازار خارج نمی‌کنند. انتقادات زیادی به نحوه عملکرد آنها وارد اسـت؛ اما به نظر آنچه در حال حاضر روشـن و مشخص است، این بوده که این صندوق‌ها در روزهای منفی در سمت خرید و در روزهای مثبت در سـمت فروش فعال هستند و نباید نسبت به عملکرد آنها در روزهای اینچنینی که بازار را می‌فروشند خیلی انتقاد کرد. نکته دیگر اینکه اتفاقا به نظر سازمان باید اگر هم توصیه‌ای می‌کند این توصیه را داشته باشد که در روزهای بسیار خاص و مثبت مانند دیروز سهم بیشتری در بازار فروخته و فعال‌تر باشد تا خشابش برای روزهای منفی پرتر و دسـتش قوی‌تر بوده و بتواند به روان‌سازی بازار کمک کند. نکته تکمیلی اینکه به نظر افزایش دامنه نوسان از ۳ به ۵ کار این صندوق‌ها را تا حدودی آسان‌تر خواهد کرد چه در جمع‌وجور کردن بازار و چه در فروش این صندوق‌ها می‌توانند نقش مهم‌تری داشته باشند و باز هم تاکید می‌کنیم اگر به کارنامه مالی احتمالی که منتشر خواهد شد از این صندوق‌ها نگاه کنید احتمالا آنها سود خوبی را شناسایی خواهند کرد و بدون هیچ تعارفی این سود بخشی ناشی از عملکرد آنها و بخش دیگر استفاده از حماقت‌های بسیاری از حقوقی‌های ماست که باید در روزهای منفی در سـمت خرید ظاهر باشند؛ اما ترجیح می‌دهند جوزده به بازار نگاه کنند. و به عنوان نکته آخر باید بگوییم که این روزها بازارها ظرف چندروز و حتی چند ساعت تغییر شکل می‌دهند و به راحتی سرمایه‌گذاران را کاملا پشیمان و غافلگیر می‌کنند. این روزها سهامی که نسبتا ارزش بازار پایینی داشته‌اند و خبرهای مثبتی هم برای آنها منتشر شده، بیشتر مورد توجه هستند. از اوره‌سازها که علاوه بر اخبار مربوط به فروش داخلی اوره، بحث فروش بلوک سهامی که در فارس دارند مطرح است تا فولادسازهایی که با بازگشت به ظرفیت‌های تولید قابل قبول مورد توجه قرار گرفته‌اند. هلدینگ‌هایی مثل فارس و وغدیر و غیره هم به دلیل همین اخبار و همان جاماندگی نسبت به کلیت بازار مورد توجه هستند. اما آیا ما باید کلا نسـبت به روند موجود خوشبین باشیم؟ کلیت بورس کماکان در کانال ارزش دلاری ۹۰ تا ۱۱۰ میلیارد دلار در حال نوسان است. اگر مذاکرات به نتیجه برسد و توافقی حاصل شـود، این ارزش دلاری پتانسیل رشد تا حداقل ۱۳۰ میلیارد دلار را خواهد داشت. اما اگر محاصره تداوم پیدا کند، احتمالا برای بالاتر از ۱۱۰ میلیارد دلار مجددا باید با احتیاط برخورد کنیم. فعلا خوشبینی به احتمال توافق بالا رفته و می‌توان گفت معامله‌گران ریسک‌پذیر به استقبال این موضوع رفته‌اند.

تحلیل

قیمت نفت برنت به ۹۵ دلار رسید



قیمت نفـت در معاملات روز جمعـه بازار جهانی نوساناتی داشت، اما در مسیر ثبت دومین کاهش هفتگی خود قرار گرفت. به گزارش ایسـنا، قیمت نفت خام برنت تغییر چندانی نداشت و با یک سنت کاهش، به ۹۵ دلار و ۴۱ سنت در هر بشکه رسید. قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت (WTI) امریکا نیز با ۲۰ سنت معادل ۰.۲۵ درصد کاهش، به ۸۸ دلار و ۵۲ سنت در هر بشکه رسید. این کاهش قیمت در معاملات روز جمعه، رشد قیمت‌های دو روز گذشته را خنثی کرد. هفته معاملاتی جاری با نوسـانات زیادی همراه بود و امیدهای اولیه برای نزدیک شـدن به پایان جنـگ در خاورمیانه که با پیروزی نامزدهای حزب دموکـرات در انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا ایجاد شد، با حملات نیروهای مسلح یمن به زیرسـاخت‌های عربستان سعودی و همچنین حـوادث امنیتی بـرای نفتکش‌های حامل نفت خـام در خلیج فارس رنـگ باخت. با وجود نوسانات قیمت در بحبوحه جنگی که هنوز به نتیجه‌ای نرسـیده، نفت برنت پس از سـقوط ۱۶ درصدی در هفته گذشـته، هفته جاری نیز در مسـیر کاهش ۲.۴ درصدی قرار دارد. نفت وست تگـزاس اینترمدیت (WTI) نیز پـس از افت ۱۳ درصـدی در هفته قبل، ۲.۵ درصـد کاهش را در هفته جاری تجربه می‌کند. کریس برانکین، مشاور جهانی در کارگزاری «می‌تریـد» (MiTrade) مستقر در ملبورن، می‌گوید کاهش کلی قیمت‌ها در دو هفته اخیر، نشـان‌دهنده ارزیابی دقیقی از ریسک‌های موجود در بازار است. او گفت: «به نظر من، قیمت‌گذاری در بـازار نفت در حال حاضر در دقیق‌ترین و ایده‌آل‌ترین سطح ممکن قرار دارد.» او افزود که اگرچه قیمت‌ها اندکی بهبود یافته‌اند، اما معامله‌گران با اطمینان کامل عمل نمی‌کنند و این موضوع نشان می‌دهد که آنها تحولات خاورمیانه را با دقت و حساسیت دنبال می‌کنند. نیروهای مسلح یمن روز گذشـته اعلام کردند که به یک ایستگاه پمپاژ در خط لوله نفت «شرق-غرب» عربستان، یک تاسیسات نفتی در شهر ینبع واقع در ساحل دریای سرخ در عربسـتان و ساختمانی متعلق به شرکت آرامکو در ریاض، پایتخت این کشور، حمله کرده‌اند. بر اساس گزارش رویترز، اداره اطلاعات انرژی امریکا (EIA) روز پنجشنبه اعلام کرد که ذخایر نفت خام و سوخت این کشور در هفته گذشته افزایش یافته است و این یکی از عواملی بود که بر قیمت‌ها فشار کاهشـی وارد کرد. افزایش ذخایر ناشی از کاهش تقاضا برای فرآورده‌های نفتی پالایش‌شده و جهش در واردات نفت بوده است. طبق آمار اداره اطلاعات انرژی امریکا، در هفتـه منتهی به ۶ نوامبر، ذخایر نفت خام امریکا با ۴.۷ میلیون بشـکه افزایش، به ۴۱۴.۴ میلیون بشکه رسید که برخلاف پیش‌بینی تحلیلگران از کاهش ۱.۱ میلیون بشکه‌ای ذخایر در نظرسنجی رویترز بود.

رویداد

شبکه برق جهان رکورد زد

آژانس بین‌المللی انرژی‌هـای تجدیدپذیر اعلام کرد: شرکت‌های خدمات برق جهان در سال گذشته بیش از ۲۱ هزار کیلومتر خطوط انتقال جدید احداث کردند که از رشد ۵۰ درصدی توسعه شبکه برق در مقایسه با سال پیش از آن حکایت دارد. به گزارش ایسنا، فرانچسکو لا کامرا، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر (IRENA) گفت: شبکه‌های برق نه تنها می‌توانند مسیر گذار انرژی را تعیین کنند، بلکه در تحقق هدف جهانی افزایش سهم برق در مصرف نهایی انرژی به ۳۵ درصد تا ۲۰۳۵ نیز نقشی تعیین‌کننده دارند. وی افزود: نتایج تحلیل‌های آژانس نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری جهانی در شبکه برق باید بیش از دو برابر شـود و تا ۲۰۳۵ به مجموع ۱۰ تریلیون دلار برسد. لا کامرا با تاکید بر اینکه فقط تعیین اهداف بلندپروازانه کافی نیست، خواستار حرکت از تعیین هدف به اجرای برنامه‌ها، از پروژه‌های منفرد به تحول سراسـری نظام انرژی و از تعهدات به اجرای گسترده طرح‌ها شد. ظرفیت خطوط انتقال برق، به یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش روی گذار انرژی تبدیل شده اسـت. نیروگاه‌های بادی و خورشیدی به دلیل وابستگی به شرایط جوی و نوسان در میزان تولید، برق را به‌صورت پیوسته تولید نمی‌کنند و همچنین از آنجا که این نیروگاه‌ها اغلب در مناطقی دور از مراکز مصرف برق ساخته می‌شـوند، در زمان کاهش تقاضا، امکان انتقال و مصرف تمام برق تولیدی آنها وجود ندارد. این مساله که «محدودسازی تولید» نامیده می‌شود، هزینه تولید برق از منابع بادی و خورشیدی را افزایش می‌دهد. راهکاری که حامیان دستیابی به انتشار خالص صفر، از جمله آژانس بین‌المللی انرژی، پیشنهاد می‌کنند، گسترش شـبکه برق از طریق احداث خطوط انتقال جدید برای اتصال نیروگاه‌های بادی و خورشـیدی به مراکز مصرف است. آژانس بین‌المللی انرژی در ۲۰۲۳ اعلام کـرده بود که برای تحقق تعهدات کشـورهای امضاکننـده توافق‌نامه پاریس، باید تـا ۲۰۴۰ حدود ۵۰ میلیون کیلومتر به طول خطوط انتقال برق جهان افزوده شـود یا خطوط موجود جایگزین شوند. با این حال، پیش‌بینی نیاز به احداث یا جایگزینی میلیون‌ها کیلومتر خط انتقال برق، یک مساله و تامین هزینه‌های آن موضوعی دیگر است. کمیسیون اروپا سال گذشته برآورد کرد که اتحادیه اروپا به تنهایی برای تحقق اهداف اقلیمی خود باید تا ۲۰۵۰ بین دو تا ۲.۳ تریلیون دلار در به‌روزرسانی و توسعه شبکه برق سرمایه‌گذاری کند. برای مقایسه، سـرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا در شبکه برق در ۲۰۲۴ حدود ۹۰.۵ میلیارد دلار بود و اندیشکده انرژی «بروگل» اعلام کرد این رقم باید به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال افزایش یابد. هرچند سرمایه‌گذاری سـالانه ۱۰۰ میلیارد دلاری برای توسعه شبکه برق، رقم کوچکی نیست، برخی معتقدند با اولویت یافتن امنیت انرژی نسـبت به نگرانی‌های اقلیمی، چنین سرمایه‌گذاری‌هایی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

خبر

تداوم تنش آبی در پایتخت و ۸ استان کلیدی

طبق داده‌های ایستگاه‌های بارشی، ۹ استان یزد، خراسان رضوی، بوشـهر، گیلان، فارس، خراسان جنوبی، مازندران، سیستان و بلوچستان و سمنان همچنان در وضعیت زیر نرمال قرار دارند. به گزارش ایلنا، با نزدیک شدن به اواسط آبان سال آبی ۱۴۰۶-۱۴۰۵، آمارهای منتشـر شـده از وضعیت ذخایر سدها و میزان بارش‌ها، تصویری ترکیبی از ناشی از بارش‌های بهتر و هشدار جدی درباره کمبود منابع در مناطق استراتژیک را ترسـیم می‌کند. اگرچه میزان ورودی آب به مخازن نسبت به سال گذشته رشد قابل توجهی داشته، اما توزیع نامتوازن منابع و وضعیت نامناسب برخی سدهای کلیدی، مدیریت مصرف را به یک ضرورت حیاتی تبدیل کرده است. بر اساس آخرین داده‌های آماری تا تاریخ ۱۷ آبان سـال آبـی ۱۴۰۶-۱۴۰۵، ورودی آب به مخازن سدها کشور، ۲ میلیارد و ۳۲۰ میلیون متر مکعب ثبت شده اسـت. این رقم نشان‌دهنده یک جهش مثبت در مقایسه با سـال گذشته است؛ به‌طوری که نسبت به مدت مشابه سـال جاری، ۸۰ درصد افزایش و نسبت به میانگین ۱۰ ساله، ۱۱ درصد رشد را نشـان می‌دهد. با این حال، این افزایش ورودی نتوانسته اسـت مانع از کاهش سطح کلی ذخایر شـود. حجم موجودی مخازن کشور از سطح ۴۷ درصد در ابتدای پاییز جاری، به ۴۳ درصد کاهش یافته است که نشان‌دهنده تسلط پیامدهای تنش آبی بر روند پرشدگی سدهاست. گزارش‌ها حاکی از آن است که وضعیت پرشدگی سدها در سطح کشور به‌صورت یکپارچه نیست. در حالی که برخی مناطق وضعیت بهتری دارند، در بسیاری از حوزه‌های آبریز، کمبود منابع بسیار محسوس و نگران‌کننده است. به‌طوری که اسـتان‌های تهران، مرکزی، خراسان رضوی، قـم، اصفهان، زنجان و همدان در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. این وضعیت مستقیما امنیت آبی شـهرهای بزرگ و پرجمعیت از جمله تهران، کرج، مشهد، اراک، قم، اصفهان، یزد و همدان را با محدودیت‌های جدی در تأمین آب شـرب مواجه کرده اسـت. رصد دقیق سـدهای حیاتی منطقه تهران و البرز، تضاد شدید میان وضعیت مخازن را آشکار می‌کند به‌طوری که سد امیرکبیر با ۶۷ درصد پرشدگی، عملکرد مثبتی داشته و نسبت به سال گذشته ۹۶۸ درصد و نسبت به میانگین ۱۰ ساله ۳۱ درصد بهبود یافته اسـت. سـد لار اما با تنها ۲ درصد پرشـدگی، وضعیت بسیار نگران‌کننده‌ای دارد. اگرچه نسبت به سال گذشته ۶۴ درصد بهبود داشته، اما در مقایسـه با میانگین ۱۰ ساله، با ۵۴ درصد کاهش مواجه است. سد طالقان با ۳۶ درصد موجودی، همچنان با ۳۴ درصد کاهش نسبت به میانگین ۱۰ ساله دسـت‌وپنجه نرم می‌کند. سد لتیان تنها ۲۶ درصد پرشدگی دارد که نشان‌دهنده ۳۸ درصد کاهش ذخیره نسـبت به میانگین ۱۰ ساله اسـت. سـد ماملو با ۸۸ درصد حجم خالی، نسبت به میانگین ۱۰ ساله دچار ۷۲ درصد کمبود ذخیره شده است. از منظر بارش‌های جوی، سال جاری نسبت به سال گذشـته بهبود یافته است. بارش کشور از ابتدای سـال آبی جاری تا ۱۶ آبان، ۲۰.۳ میلی‌متر بوده است. این میزان در مقایسه با بارش ۳.۴ میلی‌متری در دوره مشابه سال گذشته و میانگین بلندمدت ۱۷.۵ میلی‌متری، نشان‌دهنده وضعیت مطلوب کلی است. با این وجود، این بهبود کلی پوشـاننده کم آبی در برخی مناطق نیست. طبق داده‌های ایستگاه‌های بارشی، ۹ استان یزد، خراسان رضوی، بوشـهر، گیلان، فارس، خراسان جنوبی، مازندران، سیستان و بلوچستان و سمنان همچنان در وضعیت زیر نرمال قرار دارند. در نهایت، با توجه بـه عدم توازن در توزیع بارش‌ها و وضعیت ذخایر، مدیریت آب کشور نباید بر اساس یک الگوی واحد عمل کند. برنامه‌ریزی‌های ویژه باید بر اساس ویژگی‌های هر حوضه آبریـز، وضعیت موجودی مخازن، میزان بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی و شرایط بارش‌های منطقه‌ای انجام شود. مدیریت مصرف، نه یک توصیه، بلکه یـک ضرورت جدی برای جلوگیری از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در شهرهای پرجمعیت کشور است.

ادامه از صفحه اول

جنگ اقتصادی و محدودیت منابع

در واقع، مساله اصلی نه صرفاً پرداخت یارانه، بلکه چگونگی توزیع منابع حمایتی و نسبت آن با توان اقتصادی خانوارهاست. دولت نمی‌تواند در بلندمدت با پرداخت‌های جبرانی، آثار کاهش درآمد و افزایش هزینه‌های زندگی را خنثی کند. پایداری معیشت به شرایطی وابسته است که در آن فرصت‌های شغلی، درآمد بنگاه‌ها و قدرت خرید خانوارها امکان رشد داشته باشند. از سوی دیگر، محدودیت‌های ناشی از جنگ و محاصره دریایی، ضرورت توجه به روابط تجاری و هزینه‌های لجستیکی را نیز افزایش داده اسـت. با وجود این محدودیت‌ها، واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه همچنان ادامه دارد، اما هزینه بالای حمل‌ونقل و دشواری‌های تجاری می‌تواند بر قیمت تمام‌شـده کالاها و فعالیت تولیدکنندگان اثر بگذارد. اسـتمرار تجارت خارجی و تأمین مواد اولیه، علاوه بر پاسـخگویی بـه نیازهای مصرفی، برای حفظ ظرفیت تولید داخلی نیز اهمیت دارد. در چنین شرایطی، تنش‌زدایی با حفظ منافع ملی می‌تواند بخشی از فشـارهای اقتصادی را کاهش دهد. محدودیت‌های صادراتی و دشواری دسترسی بـه درآمدهای ارزی، تنها مسـاله دولت در تأمین هزینه‌های حمایتی نیسـت؛ این محدودیت‌ها بر تجارت، تولید و هزینه تأمین کالا نیز اثر می‌گذارند. بنابراین، سیاست خارجی و مدیریت اقتصادی در این مقطع پیوند مسـتقیمی با یکدیگر دارند. در نهایت، کالابرگ را باید ابزاری برای عبور از شرایط اضطراری دانسـت، نه راه‌حلی برای مساله مزمن معیشـت در اقتصاد ایران. حمایـت از کالاهای اساسـی در شـرایط جنگ اقتصـادی ضرورتی انکارناپذیـر اسـت، اما تـداوم رفـاه خانوارها به سیاست‌هایی فراتر از پرداخت اعتبار حمایتی نیاز دارد. افزایش درآمد مردم، اصلاح هدفمند ساختار یارانه‌ها، حفظ جریان تجـارت و تقویت ظرفیت تولید، مولفه‌هایی هسـتند که می‌توانند حمایت معیشـتی را از یک اقدام کوتاه‌مدت به بخشی از سیاست اقتصادی پایدار تبدیل کنند.